



Woman in Culture and Arts

The Study of Social Capital in Palestine Using Pierre Bourdieu's Sociological Model (Case Study: Nozhah Ramlawi's Novel, *City Carnival*)

Ezzat Molla Ebrahimi¹ | Setareh Nobakht² | Mohammad Reza Kouhi³

1. Corresponding Author, Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mebrahim@ut.ac.ir
2. Master of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: setareh.nobakht@ut.ac.ir
3. Master of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: majd.sm39@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24 April 2023

Received in revised form: 12

August 2023

Accepted: 30 June 2025

Published online: 31 December 2025

Keywords:

Nezhah Ramlawi,
Social Capital,
Palestine,
Pierre Bourdieu.

ABSTRACT

As a contemporary French anthropologist, Pierre Bourdieu is particularly interested in the capabilities of literature. In his opinion, the capacity of an individual to participate in the management of the field of power in various capacities is not contingent upon a specific capital, but rather on the volume and combination of capital categories. Bourdieu's critical sociology, which in addition to the objective and structural dimension, also considers the subjective dimension of social life, can equip the authors with the requisite ability to identify the various forms of social capital in the novel *City Carnival*, thereby enabling their audience to comprehend the circumstances. The present investigation has assessed this novel using a descriptive-analytical approach, in accordance with Pierre Bourdieu's theory, and has analyzed it in four distinct aspects: cultural, social, economic, and symbolic capital. The research results indicate that the social capital of the Palestinian people has significantly diminished, resulting in limitations and deficiencies in their economic and cultural capital. However, the story considers the strong presence of love in familial and national types to be a significant symbolic asset. Another saving and optimistic factor in this narrative is the struggle against the occupation and the aspiration to eliminate the underlying constraints. Indeed, the symbolic capital can be regarded as a potent tool for confronting the personal and social issues of the characters in the narrative and the Palestinian people as a whole, particularly in the context of challenging and tumultuous social conditions.

Cite this article: Molla Ebrahimi, E., Nobakht, S., & Kouhi, M. R. (2025). The Study of Social Capital in Palestine Using Pierre Bourdieu's Sociological Model (Case Study: Nozhah Ramlawi's Novel, *City Carnival*). *Woman in Culture and Art*, 17(4), 423-440. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.357757.1911>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.357757.1911>

Publisher: The University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

نقد جامعه‌شناسانهٔ رمان کارناوال شهر از نزهه رملای بر مبنای نظریهٔ انواع سرمایهٔ بورديو

عزت مالاابراهیمی^۱ | ستاره نوبخت^۲ | محمدرضا کوهی^۳

۱. نویسندهٔ مسئول، استاد زبان و ادبیات عربی، دانشکدهٔ ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mebrahim@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکدهٔ ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: setareh.nobakht@ut.ac.ir

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکدهٔ ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: majd.sm39@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقالهٔ پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

پیر بورديو، مردم‌شناس معاصر فرانسوی، به قابلیت‌های ادبیات و ترسیم اوضاع اجتماعی توجه ویژه‌ای دارد. از نظر او، قدرت‌یافتن یک فرد در میدان‌های مختلف و میزان سهم‌شدن او در مدیریت میدان قدرت به سرمایهٔ خاصی بستگی ندارد، بلکه به حجم و ترکیبی از انواع سرمایه‌ها وابسته است. از آنجا که جامعه‌شناسی انتقادی بورديو، افزون بر بعد عینی و ساختاری، بعد ذهنی حیات اجتماعی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد، می‌تواند ظرفیت لازم برای بازشناسی انواع سرمایه‌ها را در رمان کارناوال شهر (کرنفال المدینه) در اختیار قرار دهد تا زمینهٔ درک شرایط جامعهٔ فلسطین فراهم شود. از این رو پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریهٔ «انواع سرمایه» پیر بورديو، به ارزیابی این رمان می‌پردازد و آن را در چهار سطح سرمایهٔ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نمادین واکاوی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سرمایهٔ اجتماعی مردم فلسطین به‌شدت رنگ باخته و سبب ایجاد محدودیت‌ها و کاستی‌هایی در سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی آن‌ها شده است. اما حضور پررنگ عشق در بستر خانواده و نیز در سطوح ملی، سرمایهٔ نمادین بارزی در این داستان محسوب می‌شود. مبارزه با اشغالگری و امیدواری برای رفع محدودیت‌های ریشه‌ای نیز عامل نجات‌دهنده و امیدبخش دیگری است که به زندگی نابسامان مردم فلسطین، جان تازه‌ای می‌بخشد. در حقیقت سرمایهٔ نمادین را می‌توان اهرم مؤثری برای مواجهه با مشکلات فردی و اجتماعی شخصیت‌های داستان و به‌طور کل مردم فلسطین، در شرایط سخت و آشفتهٔ اجتماعی به‌شمار آورد.

کلیدواژه‌ها:

پیر بورديو، جامعه‌شناسی رمان، فلسطین، کارناوال شهر، نزهه رملای.

استناد: مالاابراهیمی، عزت، نوبخت، ستاره و کوهی، محمدرضا (۱۴۰۴). نقد جامعه‌شناسانهٔ رمان کارناوال شهر از نزهه رملای بر مبنای نظریهٔ انواع سرمایهٔ بورديو. زن

در فرهنگ و هنر، ۱۷(۴)، ۴۲۳-۴۴۰. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.357757.1911>

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.357757.1911>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

رمان کارناوال شهر، یک داستان اجتماعی برخاسته از آلام مردم فلسطین است که صدای آزادی‌خواهانهٔ نزهه رملای را در جوامع عربی انعکاس می‌دهد و با روایت زندگی فلسطینی‌های ساکن قدس، اعم از زنان، مردان و کودکان، به بیان مصائب ساکنان اردوگاه‌ها می‌پردازد. نویسنده در رمان کارناوال شهر به‌خوبی توانسته درد و رنج هموطنان خود را پس از احداث دیوار حائل در فلسطین اشغالی ترسیم کند و از هجوم روزانهٔ صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی، توهین به مقدسات مسلمانان و شجاعت اهالی قدس در مقابله با اشغالگران سخن به میان آورد. از آنجا که این رمان بسیاری از سرمایه‌های اجتماعی بوردیو را در خود جای داده، این مطالعه با بررسی قابلیت‌های این نظریه، چارچوب‌های حاکم بر زندگی شخصیت‌های اصلی رمان را به‌عنوان انعکاسی از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ فلسطینی، واکاوی و تحلیل می‌کند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

براساس جستجوهای نگارندگان، پژوهشی دربارهٔ آثار نزهه رملای در دست نیست. اما تحقیقاتی که دربارهٔ جامعه‌شناختی پیر بوردیو در حوزهٔ ادبیات عربی انجام شده است، عبارت‌اند از: افضل و قاسمی اصل (۱۹۹۰) در «مطالعهٔ سرمایه‌های اجتماعی زنان در عربستان براساس نظریهٔ پیر بوردیو؛ مطالعهٔ موردی: رمان دختران ریاض» دریافتند سرمایهٔ نمادین زنان در عربستان سعودی به‌شدت ضعیف و بهره‌مندی زنان از این سرمایه اندک است و ضعف این سرمایه در مشکلات موجود در بخش سرمایه‌های اجتماعی ریشه دارد. صیادانی و همکاران (۲۰۲۱) در مقالهٔ «جلوه‌های تمایز در رمان *اللص و الکلاب* براساس الگوی جامعه‌شناختی پیر بوردیو»، نوعی تشخیص طبقاتی و فرهنگی را براساس سرمایه‌ها و فضاهای اجتماعی در میدان‌های مختلف در رمان مورد بحث برجسته کردند. این مطالعه به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که با توجه به بسترهای جامعهٔ فلسطین، کدامیک از انواع سرمایه‌های مطرح‌شده در نظریهٔ پیر بوردیو در رمان کارناوال شهر نمود بیشتری دارد. این نوشتار رمان مورد بحث را به روش توصیفی-تحلیلی، طبق نظریات جامعه‌شناختی بوردیو به روش تحلیل محتوا بررسی می‌کند.

۳. چارچوب نظری تحقیق

پیر بوردیو به سرمایه‌های مختلفی اشاره می‌کند که از این قرارند:

سرمایه اقتصادی: مستقیم قابل تبدیل به پول است و می‌توان آن را به شکل حقوق مالکیت نهادینه کرد (7: Tavassoli & Moussavi, 2004). سرمایه اقتصادی یا ثروت مادی، در واقع قدرت پرداخت برای شکلی از سرمایه است که می‌تواند به کالاهای مادی تبدیل شود (Safiri & Arasteh, 2016: 126).

سرمایه فرهنگی: از نظر بورديو سرمایه فرهنگی عبارت از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب است (9: Bayangani & Kazemi, 2009). به اعتقاد جامعه‌شناسان، پدیده‌های فرهنگی نخست در درون یک فضای اجتماعی منتشر می‌شود، سپس به وسیله میراث انتقال می‌یابد و در نهایت به سرمایه تبدیل می‌شود (Ritters, 2008: 721). بورديو سرمایه فرهنگی را در سه نوع طبقه‌بندی می‌کند:

سرمایه فرهنگی متجسد: این سرمایه در واقع نوعی ثروت بیرونی است که به بخش جدایی‌ناپذیری در فرد تبدیل شده است. این نوع سرمایه، به صورت آمادگی مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد، از طریق تلاش، تجربه و استعداد فرد حاصل می‌شود و با مرگ دارنده آن از بین می‌رود (Sharepour & Khoshfar, 2008: 137).

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته: این سرمایه آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و شامل مجموعه‌ای از میراث فرهنگی مانند آثار هنری، فناوری ماشینی و قوانین علمی است که به صورت کتاب‌ها، اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌ها است (Chauvire & Fontaine, 2005: 97-98).

سرمایه فرهنگی نهادینه شده: این شکل از سرمایه فرهنگی به مدد ضوابط اجتماعی و فراهم کردن عناوین معتبری مانند مدارک تحصیلی و تصدیق حرفه و کار برای افراد دارنده آن کسب موقعیت می‌کند. این سرمایه قابل‌واگذاری نیست و کسب آن به شرایط معینی بستگی دارد (Qadri et al., 2015: 24-23). این سرمایه با قانون و مقررات نهادینه شده حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند (Noghani, 2013: 137).

سرمایه اجتماعی: این سرمایه عبارت است از «مجموعه منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده با آشنایی‌های دوجانبه و محترم هستند» (23: Field, 2006). سرمایه اجتماعی را می‌توان شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها و روابط و هنجارهایی دانست که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهند (Ritters, 2008: 26). نظریه سرمایه اجتماعی در واقع چارچوبی برای تفکر بسیار دقیق و حتی ریاضی‌وار درباره روابط اجتماعی ایجاد می‌کند (Putnam, 2019: 118).

سرمایهٔ نمادین: این نوع سرمایه به‌تنهایی قابل‌درک نیست، بلکه از کنارهم‌گذاشتن سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ماهیت پیدا می‌کند. درواقع هر نوع از سرمایه است که دسته‌ای از اعضای اجتماع، آن را درک می‌کنند، به رسمیت می‌شناسند و برای آن ارزش قائل می‌شوند (Fakuhi, 2004: 300). بوردیو برای بسط مفهوم سرمایهٔ نمادین، از مفاهیم «کاریزماتیک» و «مشروعیت» و بر کمک می‌گیرد (Ghassemi & Namdar, 2013: 11).

۴. بحث و تحلیل

تامر شخصیت اصلی داستان، مبارز قهرمانی است که به‌خاطر فعالیت‌های ظلم‌ستیزانه‌اش بر ضد رژیم اشغالگر قدس، پیوسته تحت تعقیب نیروهای اسرائیلی قرار دارد. عارف، پدر تامر، به‌رغم مخالفت خانواده‌اش با ثریا، دختر مورد علاقهٔ خود ازدواج می‌کند و بدین سبب از سوی خانواده‌اش طرد می‌شود و از ارث محروم می‌ماند. عارف سرانجام در جریان مبارزات مردمی در راه آزادسازی میهن اشغالی‌اش به شهادت می‌رسد. پس از چندی ربیحی، دوست و هم‌رزم عارف، با ثریا ازدواج می‌کند، اما وقتی می‌فهمد ثریا به بیماری سختی مبتلا شده، او را وامی‌دارد تا خانه و مغازه‌ای را که از پدرش به ارث برده است، به نام او بزند. بدین ترتیب، ربیحی پس از مرگ ثریا، اموال موروثی او را که قانوناً به فرزندش تامر به ارث می‌رسید، تصاحب می‌کند و به‌خاطر تأمین هزینه‌های موادمخدر آن‌ها را می‌فروشد. هرچند تامر به‌اجبار ناپدری دست از تحصیل می‌کشد و به کار می‌پردازد، اما به خواست و وصیت مادرش، مخفیانه به تحصیل و مبارزات خود ادامه می‌دهد. تامر سال‌ها است که در آرزوی سفر به زادگاهش و زیارت قبر پدر شهیدش به سر می‌برد. از این‌رو به قدس سفر می‌کند. اما او که مبارزی قدیمی و فراری بوده است، به‌محض ورود به قدس، توسط نیروهای اسرائیلی دستگیر و روانهٔ زندان می‌شود. باین‌همه در برابر دشمن مقاومت می‌کند و از اصول مبارزاتی خود دست برنمی‌دارد. او سرانجام از زندان آزاد می‌شود و به اردوگاه باز می‌گردد. به‌رغم اینکه ساکنان اردوگاه با درد و رنج بی‌شماری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما خانواده، دوستان و سایر هموطنانش، با برپایی و تدارک کارناوال شادی، مشتاقانه به استقبال تامر می‌آیند.

۴-۱. سرمایهٔ اقتصادی فردی

در این رمان سرمایهٔ اقتصادی شخصیت‌ها به یکدیگر گره خورده است. ربیحی (ناپدری تامر) وقتی فهمید ثریا (مادر تامر) به بیماری سختی مبتلا شده است، او را مجبور کرد تا خانه و مغازه‌ای را که از

پدرش به ارث برده بود، به نام او کند. به این شکل، ربیعی پس از مرگ ثریا، اموال موروثی او را که قانوناً به فرزندش تامر ارث می‌رسید، تصاحب کرد:

«پول‌های ثریای بیچاره را به‌خاطر موادمخدر دود هوا کرد و با نیرنگ خانۀ پدرش را گرفت. ثریا از دست کارهای او دق کرد و مرد. عجب! حتی مغازه‌ای را که منبع درآمدش و ارثیۀ پدرش بود، بعد از مرگش فروخت. بیچاره تامر! روزگار با او چه کرده است؟» (Ramlawi, 2019: 170- 171).

عارف، پدر تنی تامر، به‌رغم مخالفت خانواده‌اش با ثریا ازدواج کرده بود. از این‌رو به‌خاطر مبارزه در راه آزادسازی میهن اشغالی‌اش از ارث محروم ماند و از خانواده طرد شد. او به‌دلیل مبارزات میهنی و برای حفظ سرمایه اقتصادی جمعی و نمادین مردم فلسطین (سراسر خاک این سرزمین) از مالکیت سرمایه اقتصادی فردی خود (ارث پدری) چشم پوشید. گذشته از این، عارف با آنکه می‌توانست با کارکردن صاحب سرمایه اقتصادی شود، با پیوستن به صفوف مبارزاتی از کسب درآمدهای اقتصادی فردی محروم ماند.

۴-۲. سرمایه اقتصادی جمعی

در این رمان سرمایه اقتصادی جمعی مردم فلسطین که املاک و زمین، یکی از مصادیق بارز آن است، رنگ می‌بازد؛ زیرا جنگ میان مردم فلسطین و رژیم اشغالگر قدس بر سر موضوع زمین است که هریک از طرفین مدعی اصالت آن برای خود هستند. در این رمان شاهد غصب زمین و املاک فلسطینی‌ها هستیم که گاهی به‌صورت اجبار مثل کشیدن دیوار حائل در سرزمین یکپارچۀ فلسطین و ادعای مالکیت نیمی از قدس شرقی تحقق می‌یابد. گاهی با تطمیع مردم برای فروش خانه و زمین‌های خود با قیمت‌های وسوسه‌کننده و گران‌تر از حد معمول، سرمایه اقتصادی جمعی فلسطینیان به یغما می‌رود. این اقدامات در هر دو صورت خشم، اعتراض و طغیان مردم بر ضد نیروهای صهیونیستی را برمی‌انگیزد و به تداوم درگیری‌ها در این سرزمین می‌انجامد. در سراسر رمان شاهد بروز ناراضی‌ها و اعتراضات مردمی در قبال تصرف اجباری زمین‌های بیت‌المقدس هستیم. حتی مردمی که خانه‌هایشان را به اسرائیلی‌ها فروخته‌اند، از جانب همسایگان خود مورد خشم و نکوهش قرار می‌گیرند: «نمی‌دانم این ملعون چگونه جرئت کرده زمین خدا را بفروشد. قدس سرزمین خدا است. فروش یک وجب از زمین‌های آن حرام است» (Ramlawi, 2019: 158).

رژیم صهیونیستی در تلاش است تا سرمایه اقتصادی جمعی فلسطینیان، اعم از ملک، زمین و خانه را با سرمایه اقتصادی دیگری مثل پول معاوضه و از مالکیت آن‌ها خارج کند. این سرمایه اقتصادی پیشنهادی صهیونیست‌ها (پول و نقدینگی) حتی در مقدار نامحدود خود، ارزش حقیقی

سرمایهٔ اقتصادی جمعی (خانه، زمین و...) را ندارد؛ چرا که مردم فلسطین با ازدست‌دادن املاک و سرمایه‌های اقتصادی فردی خود، سرمایهٔ بزرگ‌تری به نام وطن را از دست می‌دهند که مهم‌ترین سرمایهٔ نمادین محسوب می‌شود. سرمایهٔ اقتصادی ایجادشده برای آن‌ها از سوی رژیم اشغالگر نیز به‌رغم گران‌بها بودن، ارزش سرمایهٔ حقیقی فلسطینیان، یعنی وطن و سرزمینشان را ندارد: «کسی که سرزمینش را بفروشد، آبرویش را فروخته است. این آدم‌ها را باید از حلقهٔ سردر الساهره آویزان و رهایشان کرد تا عبرتی برای دیگران باشند» (Ramlawi, 2019: 160).

گفتگوهایی که میان مخالفان فروش زمین، ترتیب داده شده است، به ارزیابی عملکرد قهرمان داستان (کنشگر) در مواجهه با بستر مشخصی می‌پردازد. نویسنده با مطرح کردن موضوع فروش زمین به صهیونیست‌ها، نوعی بحث از ساختار میدان اقتصادی متأثر از شرایط اجتماعی را میان عاملان کنش مطرح می‌سازد. این ساختار نوع باور مردم فلسطین را در قبال کنش اشغالگران آشکار می‌کند. این نوع باور گواه تمایز میدان اقتصاد بین شخصیت‌ها است؛ به طوری که فروشندگان زمین، تصویری از فرصت‌طلبانی هستند که به اصول خود خیانت کرده و در مسیر انباشت سرمایه، به ارزش‌های انسانی و ملی بی‌توجه بوده‌اند.

۴-۳. سرمایه فرهنگی متجسد

درصد ناچیزی از رمان به بحث از سرمایه‌های فرهنگی اختصاص دارد. تامر، شخصیت اصلی داستان، فردی سرخورده، بی‌پناه و تحقیرشده است؛ نوجوانی تنها و یتیم که پدر و مادر خود را از دست داده و با ناپدری‌اش زندگی می‌کند. او برای امرارمعاش و جور کردن هزینهٔ اعتیاد ربیحی، باید سخت کار کند: «ربیحی کچل از خواب بیدار شد. عمداً سروصدا کرد تا تامر از خواب برخیزد و مثل همیشه برای خرید و فروش بیرون رود. فریادش دیوارهای خانه را لرزاند و چیزی نمانده بود که فروبریزند. آب دهان آمیخته با بوی خواب و شراب از دهانش بیرون پرید و روی سبیل‌های پریشانش نشست. روی تامر که خوابیده بود خم شد، صورتش را باز کرد و پتویش را به سمتی پرتاب کرد. تامر از جا پرید، عصبانی به‌نظر می‌رسید، به خودش گفته بود که نباید زیر بار حرف او رود. ربیحی دوباره داد زد: بیدار شو، بازار منتظر توست.

– بیدار نمی‌شوم، رهایم کن، می‌خواهم بخوابم» (Ramlawi, 2019: 4).

باین‌همه تامر شخصیتی مستقل و غیرمنفعل دارد. به‌رغم اینکه ناپدری‌اش او را به ترک تحصیل و کار اجباری واداشته است، با مساعدت مدیر مدرسه، مخفیانه و بدون حضور در کلاس درس، به

تحصیل ادامه می‌دهد تا به وصیت مادرش عمل کند. او تلاش می‌کند تا مقاطع عالی به تحصیلات خود ادامه دهد:

«- می‌بینم بیشتر روزها کتاب‌های مدرسه را در دست داری و مطالعه می‌کنی.

- بله، کتاب‌هایم را می‌آورم تا درس بخوانم، با مدیر مدرسه که او را مثل پدر خودم می‌دانم قرار گذاشتم درس را ادامه دهم و برای امتحانات هفتگی و ماهیانه آماده شوم» (Ramlawi, 2019: 57). بنابراین شاهد حضور شخصیتی فعال و ظلم‌ناپذیر، با اراده‌ای قوی در رمان هستیم که به‌رغم مواجهه با سختی‌ها و ناملایمات بسیار پس از فوت مادرش، دست از تحصیل نمی‌کشد و به پیشرفت همه‌جانبه در زندگی ادامه می‌دهد. از دیگر موارد اقتدار و عزت‌نفس تامر این است که برای تشکیل زندگی آرام، موفق و مستقل، به دور از مزاحمت‌های بی‌حدوحصر ناپدری خود، نیاز مالی شدیدی دارد. با این همه در برابر پیشنهادهای وسوسه‌کننده ابوالفوارس، موافقش اردوگاه، برای ملحق شدن به باند او مقاومت می‌کند. تامر بنا به وصیت مادرش همواره می‌کوشد تا شرافت انسانی خود را حفظ کند و در دام هواهای نفسانی و شبکه‌های فاسد اجتماعی گرفتار نشود:

«با خودش زمزمه‌ای کرد و گفت: ابوالفوارس منتظر من است تا با او کار پخش موادمخدر را شروع کنم. اگر طبق قرار چند روز پیش او نروم، اینجا یا آنجا بالاخره مرا پیدا می‌کند و دین یا وجدانش مانع از این نمی‌شود که به من ناسزا بگوید یا در ملأعام تحقیرم کند. حتی اگر مرا مقابل قبر مادرم پیدا کند، یک دل سیر کتکم می‌زند. تامر مدتی سکوت کرد. تصویر مادرش مقابل چشمانش پدیدار شد. احساس کرد آرام روی شانه‌اش می‌زند و او را در آغوش می‌کشد. تصور کرد مادرش او را می‌بوسد و خود را شبیه او می‌سازد، از او می‌خواهد که تسلیم نشود و پیش ابوالفوارس نرود» (Ramlawi, 2019: 45).

تلاش تامر برای رهایی از کفالت ناپدری بی‌کفایت، ناشی از ویژگی انفعال‌ناپذیری او است. البته جبر زندگی و عدم استقلال مالی، پیوسته موانعی در راه تحقق این خواسته قلبی او ایجاد می‌کند. از دیگر ویژگی‌های بارز شخصیت اصلی رمان، جسارت زیاد و روحیه انقلابی‌گری او است. این دو ویژگی در قسمتی از داستان، تامر را به‌گونه‌ای به وجد می‌آورد که در هیاهوی مبارزات مردمی با نیروهای رژیم اشغالگر قدس در داخل اردوگاه، از دیوار حائل که نماد تفرقه، اجبار، ستم و استبداد است، بالا می‌رود. بدین‌سان از یک سو جسارت انقلابی و ظلم‌ناپذیری خود را در برابر اشغالگران به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر شجاعت و بی‌باکی خود در مواجهه با دشمن را به رخ هموطنانش می‌کشد:

«شش نفر از آن‌ها در موازات دیوار قرار گرفتند. پنج نفر دیگر از شانه‌های آن‌ها بالا رفتند. چهار نفر دیگر روی شانه‌های آن‌ها قرار گرفتند. هرم داشت شکل می‌گرفت، دو نفر به هم کمک کردند. تا مر از منظرهٔ مقابلش شگفت‌زده شد. چشمانش را به کسانی که از دیوار بالا می‌رفتند دوخته بود. بالش‌ها را انداخت و به همراه دیگران دوید. ربی با چشم‌های اشک‌آلود او را دید، درحالی‌که میان ازدحام ماشین‌ها پیچ‌درپیچ حرکت می‌کرد. وقتی به آنجا رسید، از روی بساط‌ها پرید. درست مثل آهوپی که از دست صیاد رمیده باشد، به دویدن ادامه داد» (Ramlawi, 2019: 81- 82).

۴-۴. سرمایه فرهنگی نهاده شده

این سرمایه فرهنگی به دلیل مشکلات متعددی از قبیل جنگ، ناامنی، شرایط سخت زندگی در اردوگاه و نابرابری حقوق شهروندی، در شخصیت‌های داستان، ظهور و نمودی ندارد؛ چنان‌که تا مر، قهرمان اصلی داستان، به دلیل آنکه تحت سرپرستی ناپدری بی‌کفایت قرار دارد، از تحصیل وامی‌ماند. سایر کودکان، نوجوانان و جوانان اردوگاه نیز از امتیازات آموزشی محدودی برخوردارند. تازه همین امکانات ناچیزی که توسط نیروهای امدادرسان داخلی یا خارجی به مردم اردوگاه ارائه می‌شود، در شرف اتمام است.

برخلاف نبود سرمایه فرهنگی نهاده شده در داخل اردوگاه‌های فلسطینی، در داستان شاهد ایجاد بسترهای این سرمایه در میان شهرها و شهرک‌های تحت کنترل اسرائیل هستیم. این سرمایه به‌وفور در این مناطق ایجاد و فراهم شده است؛ چنان‌که شخصیتی به نام «عبیر» که دانشجوی رشته پزشکی است، می‌خواهد برای گذراندن امتحان پایان‌ترم خود از محل زندگی‌اش به بیت‌المقدس برود؛ بنابراین با مردمی که در آستانهٔ سال نو میلادی، در انتظار بازشدن درهای دیوار حائل قرار دارند، همراه می‌شود. در این میان وضعیت زنی باردار به نام «سارا» را در صف انتظار می‌بیند و با کمک به سارا در هنگام وضع حمل و انتشار عکس‌ها و فیلم‌های آن در فضای مجازی توسط نسرين، نمرهٔ قبولی ممتازی از استاد خود می‌گیرد. گذشته از این، برای به‌کارگرفتن تخصصش در راستای کارهای انسان‌دوستانه از سوی استاد تشویق هم می‌شود:

«نامه‌ای از دکتر عصام، مراقب امتحانات تئوری در عمل جراحی به‌دنیا آوردن نوزاد، به دستم رسید. عبیر برای دریافت تخصص زنان و زایمان در این امتحان شرکت خواهد کرد. او در این نامه گفته بود: امتحان خوبی دادی، امتحان تئوری به‌دنیا آوردن نوزاد را با موفقیت و امتیازی بالا پشت سر گذاشتی. عبیر خوشحال شد و از خودش پرسید: چطور موفق شدم؟ من که اصلاً نتوانستم به بیمارستان شهر برسم و امتحان عملی بدهم. دکتر عکس‌ها و ویدیوهای وضع حمل سارا را دیده

است. نسرین همکلاسی عبیر قبل از اینکه او را به اتاق بازجویی ببرند، آن‌ها را برای دکتر فرستاده بود» (Ramlawi, 2019: 79-80). عبیر شخصیتی است که در داستان *کارناوال شهر*، عشق خود به تحصیل و کار را نشان می‌دهد و در قبال مشکلات جامعه، انسانی متعهد و مسئولیت‌پذیر است؛ زیرا تلاش برای تولد فرزند آن هم در شرایط سخت، بدون داشتن امکانات پزشکی مورد نیاز، نمودی از سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده داستان است.

۴-۵. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته

انتشار اخبار جامعه به صورت عکس و فیلم در *رمان کارناوال شهر*، نمونه بارزی از سرمایه عینیت‌یافته تلقی می‌شود. با این همه نویسنده در داستان نشان می‌دهد این سرمایه‌ها به دلیل وجود ناآرامی، سرکوب و آشفتگی اوضاع سیاسی و اجتماعی فلسطین، به طور کامل فرصت ظهور و بروز پیدا نکرده است. تنها اخبار مخفیانه‌ای در فضای مجازی، نه در قالب روزنامه‌ها یا کتاب‌ها، از اوضاع نابسامان داخل اردوگاه‌ها توسط خبرنگاران دست‌به‌دست می‌شود. در قسمتی از داستان شاهد انتشار اخبار و فیلم‌های مربوط به درگیری فلسطینیان با نیروهای اسرائیلی به هنگام وضع حمل سارا هستیم. همچنین انتشار فیلم جلوگیری از خروج ساکنان اردوگاه برای شرکت در تظاهرات ضد اشغالگری یا حضور در جشن‌های سال نو از این قبیل است:

«مثل همیشه دوربین نسرین از پشت جمعیت انبوه مردم، در ارتفاع و در همه‌امکان می‌چرخد، حوادث و صحنه‌ها را رصد می‌کند و عکس می‌گیرد، زمان و مکان را ثبت و از طریق پایگاه‌های ارتباط جمعی ارسال می‌کند. لنز دوربین پیش می‌رود، از حوادث عکس می‌گیرد و به شکل زنده پخش می‌کند، مثل ده‌ها نفر از کسانی که انتظار را به فراموشی سپردند و شروع به عکس‌گرفتن از صحنه‌هایی کردند که شبیه کارناوال قبل از شروع عید است» (Ramlawi, 2019: 74).

به دلیل جو خفقان و نبود آزادی بیان در جامعه اشغالی فلسطین، انتشار این اخبار محدود توسط نیروهای اسرائیلی به شدت کنترل می‌شود؛ چنان‌که در قسمتی از داستان شاهد رفتار خشونت‌آمیز نظامیان صهیونیستی با خبرنگاری هستیم که قصد پوشش اخبار مربوط به اعتراضات مردمی را دارد و دختر بچه هفت‌ساله‌اش با او است: «عرب‌نماها از مخفیگاه خود بیرون آمدند، همه را غافلگیر کردند، تصویربرداران را به باد کتک گرفتند و دوربین‌هایشان را مصادره کردند. یکی از آن‌ها به سمت نسرین هجوم آورد، دوربین را از دستش قاپید و او را به سوی اتاق بازجویی در گذرگاه برد» (Ramlawi, 2019: 79).

در ادامهٔ داستان، مصداق سرمایهٔ فرهنگی عینیت‌یافته بهتر تبیین شده است: «سرباز به سمت ماشین دوید، سرش را داخل ماشین آورد و بر سر دختر بچه‌ای که برای بازی گوشی‌اش را به شیشهٔ عقب ماشین چسبانده بود، فریاد زند و او را متهم به تصویربرداری از حوادث کرد» (Ramlawi, 2019: 86). بحث سلطه و خشونت که در محتوای رمان نمود یافته، متأثر از قدرت و سرمایه‌های دشمن است که به گونه‌های مختلف در قبال مردم فلسطین اعمال می‌شود. در واقع خشونت، سرمایهٔ فرهنگی عینیت‌یافته‌ای است که در فضای اجتماعی این سرزمین، نقش ایفا می‌کند و به برتری دشمن می‌انجامد.

۴-۶. سرمایه‌های اجتماعی مثبت

۴-۶-۱. خانواده

نهادی مؤثر در سرمایهٔ اجتماعی است که در این رمان به دو شکل مثبت و منفی تحقق و تبلور می‌یابد. نخست خانوادهٔ اصلی تامر است که ازدواج پدرش عارف، با مادرش ثریا، بنیاد این خانواده را بر محور عشق، ایمان و احساساتی صادقانه، استوار می‌سازد. این ازدواج به قدری برای عارف ارزشمند و مقدس است که در قبال آن، محرومیت از ارث و مطرود شدن از جانب خانوادهٔ خود را با جان‌ودل می‌پذیرد. یک رکن خانوادهٔ صمیمی تامر، از مادری نجیب‌مانند ثریا تشکیل شده است که در پستی و بلندی‌های مسیر مبارزه، پا به پای همسرش راه او را ادامه می‌دهد. داشتن پدری آزاده و سرافراز که برای دفاع از آب‌و‌خاک میهن از جان می‌گذرد، از دیگر ویژگی‌های مثبت این سرمایهٔ اجتماعی است. از این‌رو زمینهٔ تربیتی مناسبی برای رشد و پرورش تامر به‌عنوان فرزند این خانواده فراهم می‌آید. اما با شهادت عارف، ارکان این خانوادهٔ خوشبخت فرومی‌ریزد و تامر با چهرهٔ ناخوشایند و منفی خانواده مواجه می‌شود. ازدواج مجدد مادرش با ربیحی که دوست مبارز و صمیمی پدرش بوده است، تمامی استعدادها و ظرفیت‌های لازم برای شکوفایی ظرفیت‌های علمی و شخصیتی تامر در متن خانواده را با چالش مواجه می‌کند. گذشته از این مرگ زودهنگام مادرش و گذران زندگی با سرپرستی نالایق مثل ربیحی که از یک مبارز جسور به معتادی دائم‌الخمر تبدیل شده است، مسیر تباهی و پژمردگی بیشتری را برای تامر در درون خانواده رقم می‌زند. خانوادهٔ دوم تامر سدی در راه پیشرفت او است و محدودیت‌هایی را در زندگی برایش پیش می‌آورد که ترک تحصیل و واداشتن به کار اجباری توسط ربیحی از مصادیق بارز آن است.

۴-۶-۲. همسایه

سرمایه اجتماعی مثبت دیگری است که نقش پررنگی در این رمان دارد. همدلی، کمک‌رسانی و اعتماد به یکدیگر در روابط میان همسایگان موج می‌زند. تامر در فرازی از داستان، پیراهن یادگاری مادرش را به همراه پولی که برای او باقی گذاشته، نزد همسایه‌شان، ام‌احمد، به امانت می‌گذارد تا ربحی نتواند به آن دست پیدا کند (Ramlawi, 2019: 17). بدین‌گونه ام‌احمد عنصر مهمی در تربیت اجتماعی و رابطه اجتماعی به‌شمار می‌رود و در پویایی جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند.

۴-۷-۷. سرمایه‌های اجتماعی منفی

۴-۷-۱. خشونت فیزیکی

تامر به سبب داشتن ناپدیری معتاد و فارغ از قیدوبندهای انسانی، همواره با ظلم و ستم ربحی مواجه می‌شود که در خلال داستان شاهد اعمال خشونت‌های فیزیکی ناپدیری نسبت به او و مادرش ثریا هستیم. تامر در فرازی از داستان خاطرات تلخی را به یاد می‌آورد که ربحی مست به خانه برمی‌گشت و او را به باد فحش و کتک می‌گرفت.

خشونت‌های فیزیکی اجتماعی نیز در رمان *کارناوال شهر*، نمود بسیار پررنگی دارد. اقدامات خشونت‌آمیز نظامیان اسرائیل مانند پرتاب گاز اشک‌آور به سوی معترضان فلسطینی، ضرب‌وشتم مردم، درگیری با تظاهرکنندگان، دستگیری و بازداشت آن‌ها و نیز قتل و غارت ثروت‌های ملی فلسطینیان، از مصادیق این خشونت‌ها است. نویسنده در فرازهای مختلفی از داستان، رفتار خشونت‌بار نیروهای اسرائیلی با عارف، ربحی و تامر را به‌عنوان شخصیت‌های اصلی رمان، به نمایش می‌گذارد. عارف در جریان مبارزات مردمی انتفاضه به شهادت می‌رسد. وقتی تامر به صفوف مبارزان می‌پیوندد، ربحی برای بازجویی توسط مأموران امنیتی اسرائیل بازداشت می‌شود تا از او درباره فعالیت‌های انقلابی تامر پرس‌وجو کنند. ربحی در زندان مورد ضرب‌وشتم قرار می‌گیرد و تا زمان بازگشت تامر، همچنان در بازداشت به سر می‌برد.

۴-۷-۲. خشونت زبانی

از موارد خشونت زبانی، الفاظ توهین‌آمیز ربحی به‌منظور تحقیر تامر و ثریا است که در مقابل دیگران یا در خفا بر زبان او جاری می‌شود. درواقع هیچ‌کدام از شخصیت‌های اصلی داستان از گزند خشونت زبانی ربحی در امان نیستند. او نه تنها به ثریا و تامر، بلکه به عارف، رفیق صمیمی و هم‌رزم شهید

خود نیز اهانت می‌کند. چنین رفتار ناپسندی، ناشی از شخصیت بی‌بندوبار، مفلوک، معتاد و سرخوردهٔ ربیحی است.

از دیگر موارد خشونت زبانی می‌توان به اهانت‌های مکرر یهودیان به عرب‌های ساکن قدس شرقی اشاره کرد. خواننده در بخشی از داستان، ماجرای توهین و تمسخر یهودیان به یک فلسطینی را می‌خواند که هر روز یکی از میدان‌های قدس را تمیز می‌کند تا بتواند از آنجا خانهٔ خود را ببیند؛ زیرا پنجرهٔ این خانه که غاصبانه توسط یهودیان تصرف شده، مشرف به این میدان است (Ramlawi, 2019: 143). خشونت فیزیکی و زبانی در این داستان از مهم‌ترین اهرم‌های کنترل در فلسطین به‌شمار می‌رود. این اهرم به حدی قوی و مؤثر است که بهره‌مندی مردم را از سرمایه‌های اجتماعی خود به‌شدت با مشکل مواجه می‌سازد.

۴-۷-۳. کنترل درونی و بیرونی

انواع کنترل‌های بیرونی و درونی در رمان کارناوال شهر قابل مشاهده است؛ تقسیم قدس به دو منطقهٔ عربی و یهودی‌نشین، اقامت مردم فلسطین در کمپ‌ها و اردوگاه‌ها، عدم اعطای مجوز رفت‌وآمد به فلسطینیان، اعلام حکومت نظامی، ممانعت از آزادی بیان، سرکوب اعتراضات مردمی، تیراندازی مستقیم به‌سوی تظاهرکنندگان، بازداشت، زندانی و بازجویی مخالفان، از جملهٔ این محدودیت‌ها به‌شمار می‌رود (Ramlawi, 2019: 77, 79, 83, 176, 179, 213). زندگی شخصیت‌های اصلی داستان به‌شدت تحت تأثیر کنترل بیرونی رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. عارف و ربیحی، دو دوست قدیمی و دو مبارز انقلابی‌اند که با سیطرهٔ بیگانگان بر وطن خود به مخالفت برخاسته‌اند و از حقوق شهروندان فلسطینی دفاع می‌کنند. هر دو در جریان مبارزات انتفاضهٔ مردمی حضور داشته‌اند که تحت کنترل و سرکوب نظامیان صهیونیستی بوده است. عارف در جریان مبارزات به شهادت می‌رسد و ربیحی پس از شهادت رفیق خود، از مبارزه دست می‌کشد. ناامیدی ناشی از شکست مبارزات ملی، سرنوشت نامعلوم او و آیندهٔ مبهم وطن، ربیحی را به دام اعتیاد می‌کشاند؛ چنان‌که همه از جمله تامر، بر سرنوشت اسفبار این مبارز قدیمی تأسف می‌خورند:

«- نمی‌دانم اوضاع این مرد چگونه به اینجا رسید. جوان بااخلاقی بود که در ایام انتفاضه در برابر اشغالگران می‌ایستاد. قهرمان بزرگی بود که در اردوگاه الگوی جوانان بود.

- او را معتاد کردند، تا مقاومت و وطن را فراموش کند» (Ramlawi, 2019: 56).

ثریا نیز تحت تأثیر حاکمیت کنترل بیرونی در فلسطین، شوهرش را از دست می‌دهد و بنا به وصیت عارف با ربیحی ازدواج می‌کند تا از خود و فرزندش محافظت کرده باشد. تامر، قهرمان اصلی

داستان، نیز به خاطر فعالیت‌های ظلم‌ستیزانه‌اش و شرکت در تظاهرات مردمی بر ضد رژیم کنترل‌گر صهیونیستی، تحت تعقیب قرار دارد و تا انتهای داستان، همواره در حال تعقیب و گریز با نیروهای اسرائیلی است. افزون بر آن ثریا و تامر توسط ربی می‌کنترل می‌شوند. ربی به‌زور ثریا را وامی‌دارد تا اموالش را به نام او کند. او در درمان بیماری ثریا کوتاهی می‌کند و در نهایت این بیماری ثریا را از پا درمی‌آورد. ربی با تصاحب اموال تامر، اجبار او به ترک تحصیل و کارکردن در سنین نوجوانی، به کنترل‌گری خود بر ضد تامر ادامه می‌دهد. البته در نهایت از رفتار خود پشیمان می‌شود و تصمیم می‌گیرد تا حق و حقوق تامر را به او بازگرداند (Ramlawi, 2019: 182). سراسر این رمان بازگوکننده کنترل محسوس و نامحسوس رژیم صهیونیستی بر زندگی مردم فلسطین و محرومیت آن‌ها از حقوق اولیه شهروندی است.

۴-۸. سرمایه‌های نمادین رمان

۴-۸-۱. عشق زن و مرد به یکدیگر

سوژه عشق از سرمایه‌های نمادین پررنگ در رمان *کارناوال شهر* است که انواع آن در داستان تجلی می‌یابد. عشق تامر و زینه به یکدیگر، از نمونه عشق‌های پاک و امیدبخشی است که در دوران نوجوانی آن دو شکل می‌گیرد و در تمام سختی‌های زندگی‌شان مایه امید آن‌ها است. زینه دختر همسایه خانه‌ای است که تامر در آنجا زندگی می‌کند. زینه از سر عشق و دل‌تنگی، در قالب یادداشت‌های عاشقانه و تخیلی با تامر درددل می‌کند و از سختی‌های زندگی در اردوگاه، رؤیاهای غم‌ها و امیدهایش برای او می‌نویسد. تامر نیز در تمام دوران مبارزات و دوری از خانه و حتی در ایام زندان، به زینه و عشق او می‌اندیشد و به امید بازگشت به خانه و وصال زینه، سختی اسارت را تحمل می‌کند (Ramlawi, 2019: 220).

۴-۸-۲. عشق مادر به فرزند

از دیگر سرمایه‌های نمادین رمان، تجلی رابطه‌ای عاشقانه و محبت‌آمیز میان ثریا و تامر است. سراسر داستان حکایت از عشق مادران فلسطینی دارد که فرزندان خود را در جریان مبارزات ملی از دست داده‌اند. آنان داغدار فرزندان خود هستند و از عشق آن‌ها نزد دیگر شخصیت‌های رمان سخن می‌گویند. ثریا پس از مرگ عارف، به‌رغم فقر و دست‌تنگی و زندگی سختی که داشت، درصدد پس گرفتن تامر از خانواده عارف برآمد و با کفالت تامر توسط عمویش به مخالفت برخاست. او مشکلات بزرگ کردن فرزند یتیم را با جان‌ودل پذیرفت، اما دوری و دل‌تنگی از فرزند را تاب نیاورد

(Ramlawi, 2019: 53). ثریا همواره در زندگی به وظایف مادری خود عاشقانه عمل می‌کرد. او مخفیانه، به دور از چشم ربیحی، برای فرزندش پول کنار می‌گذاشت تا تامر پس از مرگش بتواند به تحصیل ادامه دهد.

۴-۸-۳. عشق مردم فلسطین به وطن

از دیگر سرمایه‌های نمادین است که نمود بارزی در رمان کارناوال شهر دارد. شرکت عارف در جریان مبارزات مردمی انتفاضه و به‌شهادت‌رسیدن او، حضور تامر در جریان تظاهرات بر ضد نیروهای اشغالگر و درنهایت زندانی شدن او، همگی نشان از عشق پاک مردم به وطن دارد که نمود آن در سراسر رمان موج می‌زند.

۵. نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق و با توجه به بستری‌های حاکم بر کشور فلسطین، هرکدام از مؤلفه‌های نظریهٔ جامعه‌شناسی انتقادی بوردیو در رمان کارناوال شهر در سرمایه‌های زیر تصویرپذیر و قابل‌چینش‌اند:

از نظر سرمایهٔ فرهنگی، شخصیت‌های اصلی داستان اعم از تامر، ربیحی، عارف و ثریا هیچ‌کدام نه‌تنها از موقعیت مناسب اجتماعی، علمی، شغلی و خانوادگی بهره‌مند نیستند، بلکه هریک با محروم‌بودن از نیازهای فرهنگی اولیه از جمله نیاز به تحصیل، امنیت، آرامش و زندگی در وطن و زادگاه خود، از رشد، پیشرفت و زندگی آزادانه در فضای مناسب اجتماعی و فرهنگی نیز محروم مانده‌اند.

اما پررنگ‌ترین مؤلفهٔ رمان، سرمایهٔ اجتماعی است که سرمایه‌های دیگر رمان به‌شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. در حقیقت محدودیت‌هایی که سرمایه‌های اجتماعی منفی برای شخصیت‌های داستان ایجاد کرده، از قبیل خشونت، بازداشت، سرکوب و کنترل‌گری مردم فلسطین و نیز شخصیت‌های اصلی داستان، سرمایه‌های اجتماعی منفی را در رمان کارناوال شهر بسیار پررنگ کرده است. افزون بر آن، سرمایه‌های اجتماعی منفی در زندگی خصوصی تامر و ثریا نیز از سوی ربیحی اعمال می‌شود و به‌گونه‌ای تأثیرگذار در روند بهره‌مندی آن‌ها از سایر سرمایه‌ها از جمله سرمایهٔ فرهنگی (تحصیلات، موقعیت اجتماعی و...) و سرمایهٔ اقتصادی (ثروت، دارایی‌ها، املاک، مستغلات و اشیای قابل‌تبدیل به پول) قابل‌مشاهده است.

در این رمان، تمام سرمایه‌های اقتصادی مردم فلسطین از جمله زمین، خانه و مستغلات، تحت تأثیر سلطه‌گری اسرائیل در خطر تصرف و تملک قرار دارد. سرمایه اقتصادی شخصیت‌های اصلی داستان هم به‌عنوان جزئی از جامعه فلسطینی که حضور بیگانگان و آشفتگی‌های سیاسی را تجربه کرده‌اند، در معرض تهدید قرار گرفته است. تامر و ثریا به‌رغم اینکه وارث املاک فراوانی بودند، به‌دلیل موانع منفی سرمایه‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، خشونت و کنترل‌گری، دارایی‌های خود را برای درمان ماندن از ستم‌ها و آسیب‌های ناپذیری تامر، به ربحی سپردند و ناگزیر در فقر مالی به سر می‌بردند.

سرمایه نمادین را می‌توان نقطه قوتی در عملکرد فردی و اجتماعی شخصیت‌های اصلی داستان دانست. در حقیقت حضور و تجلی عشق، اعم از عشق زن و مرد به یکدیگر، عشق مادر به فرزند و عشق مردم به وطن، بارزترین سرمایه‌های نمادین اجتماعی این رمان محسوب می‌شود. این سرمایه‌ها سبب شده تامر، ثریا، عارف و حتی ربحی در زندگی سخت و شرایط اجتماعی نامناسب جامعه و سرزمین خود قدرت و توان لازم در راه مبارزه با سختی‌ها، پرورش روحیه آزادگی و مبارزه‌گری بر ضد استبداد و اشغال را در خود بروز دهند؛ چنان‌که محدودیت‌های سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نتوانسته است آن‌ها را از پای درآورد یا مغلوب خود سازد.

درنهایت باید گفت نزهه رملای در رمان *کارناوال شهر*، با تأثیرپذیری از دیدگاه زنانه خود، به بیان عناصری در انواع سرمایه‌های نمادین دست یافته است که شاید نویسندگان مرد از آن غافل بوده‌اند. او با بیان نقش زن، نقش مادر، نقش عشق و انواع سرمایه‌های نمادین دیگری که در این رمان شناسایی شد، نشان می‌دهد زنان می‌توانند با انجام کنش‌ها و اعمالی خلاف عادت‌واره‌های مرسوم و نیز با تولید دانش و آگاهی‌بخشی، به قدرتی نمادین دست یابند و جهانی مطابق میل خود، به دور از هرگونه تبعیض بنا کنند.

۶. تعارض منافع

این مقاله با عنوان «نقد جامعه‌شناسانه رمان کارناوال شهر از نزهه رملای بر مبنای نظریه انواع سرمایه بوردیو» پژوهش مستقلی است که توسط نگارندگان تدوین شده است و هیچ‌گونه تعارض منافی در آن وجود ندارد.

References

- Afzali, A., & Ghassemi Asl, Z. (2016). Study of women's social capital in Saudi Arabia based on Pierre Bourdieu's theory. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 6(2), 21-39. <https://doi.org/10.22059/jlcr.2018.65521> (In Persian)
- Bayangani, B., & Kazemi, A. (2009). Research on the theoretical foundations of the concept of cultural capital. *Barg Farhang Quarterly*, 21, 21-8. (In Persian)
- Chauvire, C., & Fontaine, O. (2005). *Le vocabulaire de Bourdieu*. Translated by: M. Katbi. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Fakuhi, N. (2004). *History of anthropological theories*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Field, J. (2006). *Social capital*. Translated by: J. Mottaghi. Tehran: Social Security Organization Research Institute. (In Persian)
- Ghassemi, Y., & Namdar, E. (2013). Investigating the relationship between cultural capital and cultural symbolic capital (Case study of students of Ilam University). *Farhang-e Ilam*, 44, 7-21. (In Persian)
- Noghani, M. (2013). Education and cultural reproduction. *Journal of Social Science Development*, 3, 12-21. (In Persian)
- Putnam, R. (2019). *Society with social capital and public life*. Translated by: K. Tajbakhsh. Tehran: Tirajeh. (In Persian)
- Qaderi, M., Maleki, A., & Ahmadnia, Sh. (2015). From Bourdieu's cultural capital to Abel's health-related cultural capital: Applying new indicators for explaining healthy lifestyle. *Social Welfare Scientific-Research Quarterly*, 92, 9-58. (In Persian)
- Ramlawi, N. (2019). *City carnival*. Quds: Dar Al-Jandi Publishing House and Al-Tawzieh. (In Arabic)
- Ritters, G. (2008). *Sociological theories in the contemporary era*. Translated by: M. Salassi. Tehran: Contemporary Publishing. (In Persian)
- Safiri, K., & Arasteh, R. (2016). Investigating the relationship between women's economic capital and the type of relationships between spouses in the family. *Scientific and Research Journal of Women's Research*, 2, 141-147. (In Persian)

- Sharepour, M., & Khoshfar, Gh. (2008). The relationship between cultural capital and the social identity of youth (Case study: Tehran). *Social Sciences Quarterly*, 20, 133-147. (In Persian)
- Tavassoli, G. A., & Moussavi, M. (2004). The concept of capital in classical and new theories with an emphasis on social capital theories. *Social Sciences Journal*, 26, 1-32. (In Persian)
- Zanjanizadeh, H. (2013). An Introduction to Pierre Bourdieu's Sociology. *Journal of Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 2, 23-40. (In Persian)

